

راست خانه نشین باشم

رگزایویچ را

می کردم



گفت و گوی اختصاصی

امیر اسدی ■ بهناز میرمطهریان ■

از جمله نادیده ترین بازیکنان نسل ۹۸ که فدرشان را ندانستند ۵ نفر را بخواهم نام ببریم، محمد خاکپور بدون شک یکی از آن ۵ نفر است. فوتبالیست خوشفکر و بادانشی که راه و رسم کار درست در این فوتبال را می داند اما روشی این فوتبال هرگز حاضر نبودند یک بار پای حرف هایش بنشینند و به آن عمل کنند که اگر چنین بود، امروز او کسی نبود که خارج از دایره این فوتبال نشسته باشد. نه که پیشنهادی برای حضورش نباشد، او خودش هم تمایلی ندارد به حضور در فضایی که نه اتحادی در آن دیده می شود و نه دلسوزی، به حضور در فوتبالی که نمی توان به اندازه ای که باید در آن تأثیرگذار بود. در ساعاتی که در دفتر ایران ورزشی میریان محمد خاکپور بودیم، او از دوران کودکی اش برای ما گفت و از روزهایی که مقابل مهاجمانی چون ناصر محمد خانی و عبد العلّی چنگیز دفاع کرده است. از روزهایی که مربی تیم امید شده و حالا به می همه این سال ها نگاه می کند، چه کسی بهتر از او می تواند آنچه فوتبال ما به آن نپوشان دارد را برای ما تصویر کند؟ آنچه خاکپور در این مصاحبه بیان کرده، همان پازل گمشده ای است که اهالی فوتبال را سال ها سرگردان کرده است.

فعّلی بهتر هستند یا ستاره هایی که آن زمان بازی می کردند؟ من فکر می کنم بازیکنان الان، خیلی بهتر از ما هستند. از همه جهات. البته که من دارم از نظر فنی می بینم و فنی صحبت می کنم. به دلیل اینکه بازیکنان امروز، در فوتبال بازی کردن، مخصوص بازی بین المللی، تجربه بیشتری نسبت به ما دارند. نسل ۹۸ هیچ تجربه بین المللی نداشت. ما فقط بازیکنانی بودیم که خیلی خوب با هم جفت و جور شده و تیم خوبی تشکیل داده بودیم. اینکه آن نسل یا نسل ۹۸ مانند کار شده، به دلیل این است که خاطرات خوبی برای مردم بچا گذاشتیم و این است که مردم آن نسل را همیشه در ذهن دارند. اما اگر از نظر فنی بخوایم مقایسه کنیم، هم سرعت بازیکنان امروز بیشتر است و هم تجربه بازی کردن شان و هم از نظر فیزیکی آن نسل ما بهتر هستند.

البته خیلی عناصر دیگر هم به کمک بازیکنان امروز آمده. مثلاً آنالیز، روانشناسی، علم تغذیه و بدنسازی همه در کنار هم، بازیکنان را زیر نظر دارند. ۱۷ نفر در کنار تیم هستند. قهرمان یک آقای اویویچ بود، آقای میاج بود یا یکی دو نفر دیگر. بازیکنان جدید ابراهای دیگری برای پیشرفت و بهبود دارند.

بله. دقیقاً همین طور است.

شما اما از کودکی شان که می گوید و از تلاشی که می کردید، با خودمان فکر می کنیم نسل امروز هرگز تا این اندازه پرتلاش نیست.

خب شرایط متفاوت است. بچه های ۱۱- ۱۰ ساله امروزی که فوتبال هم بازی می کنند، همراه پدر یا مادر به تمرین می روند. در طول مسیر یا موبایل بازی می کنند. چنین چیزی برای ما نبود و قاعدتاً فشار، ظرفیت آدم را بالا می برد. وقتی شما تحت فشار هستید و امکانات هم دارید، تلاش می کنید که ظرفیت خود را بالاتر ببرید و به جایی برسید. حالا در محله های ما که جنوب شهر بود، در صدد نمی توانستند این فشارها را تحمل کنند و به راه های دیگری کشیده می شدند. انگشت شمار هم بودند کسانی که از این کمبود و فشار، فرصتی برای خود می جوید می آوردند تا بتوانند به پیشرفت برسند. امروز اما پدر و مادرها تمام تلاش شان را می کنند که کمبودی در زندگی بچه های شان نباشد. خود این موضوع، نسل امروز را تن پرور می کند و اجازه نمی دهد نوجوان تلاش کند، چون خیلی چیزها برایش مهیاست. خود مادر ۱۱- ۱۰ سالگی، ساعت ۸ شب باید تلویزیون را خاموش می کردیم. تازه یک تلویزیون شایوب لوژنس سیاه و سفید داشتیم. چرا؟ چون پدرمان کارگر بود، باید می خوابید تا صبح زود بیدار شود. ساعت ۸ می گفت تلویزیون را خاموش کنید. ما هم می گفتیم چشم. امروز شما می توانید به بچه بگویید تلویزیون را خاموش کن؟ در اتاق خودش اما از دیدگاه دیگر، مضرات زیادی هم دارد.

با همه اینها، اگر شرایط یکسانی را در نظر بگیریم چطور؟ در این صورت مقایسه تان بین نسل امروز و نسل خودتان چیست؟ ببینید. بهتر است واقع بین باشیم. من می گویم در فوتبال اصلاً نمی توانید نسل ها را با هم قیاس کنید. چون هر نسلی برای زمان خود ساخته شده است. شما لیه را نمی توانید با مسی مقایسه کنید. چون زمانی که پله بازی می کرد، فوتبال ۵۰ درصد سرعت امروز را نداشت. یعنی پله توپ را می گرفت و همه مقابلش ایستاده بودند. امروز اما سرعت فوتبال خیلی زیاد است. مثال دیگری بزنم. خدا مرحوم ناصر حجازی را رحمت کند. من یکسری از بازی های ایشان را به یاد دارم. مدافعان توپ را می گرفتند، پاس می دادند به دروازه بان، آقای حجازی توپ را می گرفت بغلش، نگه می داشت. دوباره همه می رفتند عقب، توپ را زمین می انداخت. به دفاع پاس می داد. فورا وارد می آمد و مدافعان دوباره توپ را برای ایشان می فرستادند تا باید دست بگیرد. امروز چنین چیزی نیست. توپ را وقتی به دروازه بان می دهند چند ثانیه بیشتر فرصت ندارد، پس چاره ای ندارد جز اینکه کار باپایش را تقابلاً کند. یا ساترهایی که امروزی می شود با ساترهایی آن زمان متفاوت

است. ساترهایی که امروز از جناحین می شود، سرعت بالایی دارد و با ساترتی که آن زمان می کردند خیلی متفاوت است. آن زمان یک ربع طول می کشید تا ار سال ها روی دروازه برسد. به خاطر همین می گویم که نمی شود مقایسه کرد اما در هر دوانی بالا خره ستاره یا ستاره هایی هستند که ماندگار می شوند. یعنی باقیه متفاوتند. اگر امروز رونالدو یا مسی باقیه متفاوتند به دلیل این نیست که بازیکنان دیگر، نمی توانند کارهای آنها را بکنند. به این دلیل است که آنها از نظر ذهنی با سایر بازیکنان متفاوتند.

ما با وحدت پیگانه ایم. مثال می زنم که من امروز تلفظم را برادرارم، رنگ بزنم به آقای کریمی، آقای دایی، آقای عزیزی و همه اینها. تازه همه این افراد به من محبت دارند و به من احترام می دهند. اما من فکر نمی کنم بتوانم اینها را برای چند روز دور هم جمع کنم. فقط برای صرف یک شام ساده! تازه فکرش را بکنید که من بخوام اینها را بیاورم، اجماعی داشته باشیم، شرح وظایف و تقسیم وظایف کنیم. چرا؟ چون من خودم را می گویم، اطلاعاتم کم است و هر جا به من پستی پیشنهاد می شود، می پذیرم.

چون در فوتبال شما تنها تفاوتی که بین مسی و بازیکن کناری اش می بینید این است که مسی در فضا قبل از اینکه توپ را اما آن بازیکن یک آپشن دارد. یعنی مسی قبل از اینکه توپ را بگیرد، به سه جا فکر کرده. بازیکن کناری اش به یک یا دو جا فکر کرده. تفاوت بازیکنان در این مسائل خلاصه می شود. حالا اگر اصرار شما برای این مقایسه این است که من بگویم ما بهتر بودیم، من چنین حرفی را نمی زنم (می خندد).

اویدیم شما هر چه زودتر وارد چرخه فوتبال شان شوید. خیلی حیفا است که حضور ندارند.

من از روزی که این است شرایط به شکلی شود که آدم ها بتوانند در جایگاه هایی که قرار می گیرند، تأثیرگذار باشند و گر نه حضور و اسم شان بدون تأثیر فایده ای ندارد.

شما اگر رئیس فدراسیون فوتبال باشید و سرمربی تیم ملی، بپایند، جایی برای افرادی که دلسوز نیستند نمی ماند. در مقابل شما کاملاً در ست است. تمام افرادی که اسم بردید، در مقاطع مختلف درست های مختلف آدمی و کار کردند اما شرایط به شکلی بوده که همه اینها به نفعی دوباره به خانه برگشته اند. علی دایی را ببینید.

علی دایی تصمیم گیرنده یک فوتبال ما که نبوده است. ما که نمی توانیم همه را رئیس فدراسیون فوتبال کنیم. منظور حضور ضلع های موجه در یک مجموعه است.

اندراد که الان به ورزش یا ساختار مدیریتی کشور ما وارد است، نداشتن سیستم است. در حال حاضر شما آمار بگیرید. می بینید کمترین بودجه کشور برای آموزش و پرورش است. یعنی آموزش و پرورش که اصلی ترین و مهم ترین ارگانی است که می تواند یک کشور را بسازد. کمترین بودجه و بیشترین محرومیت را دارد اما یک وزارتخانه دیگر که شاید تأثیر آنچنانی هم نداشته باشد، بودجه های آنچنانی دارد. در بخش ورزش شما اگر بخواید سیستم کارآمدی را تشکیل بدهید که بتواند ۱۰ سال دیگر نتیجه بدهد، اولین شرط این است که در سیستم یک وحدت ایجاد شود.

ما با وحدت پیگانه ایم. مثال می زنم که من امروز تلفظم را

بردارم، رنگ بزنم به آقای کریمی، آقای دایی، آقای عزیزی و

همه اینها. تازه همه این افراد به من محبت دارند و به من احترام می گذارند اما من فکر نمی کنم بتوانم اینها را برای چند روز دور هم جمع کنم. فقط برای صرف یک شام ساده! تازه فکرش را بکنید که من بخوام اینها را بیاورم، اجماعی داشته باشیم، شرح وظایف و تقسیم وظایف کنیم. چرا؟ چون من خودم را می گویم، اطلاعاتم کم است. جسارت به سایر دوستانم نمی کنم، من تحقیق و مطالعه نمی کنم، شرایط روز جامعه و دنیا را مطالعه نمی کنم اما به دلیل کم بودن سواد من هم تأکید می کنم که در باره خودم صحبت می کنم- هر جا به من پستی پیشنهاد می شود، می پذیرم. ارزش خودم را نمی دانم. نمی دانم که این ۸۰ میلیون مردم، از ۹،۸ سالگی من روی من سرمایه گذاری کرده اند تا جایی که من به جام جهانی رفته و برای ۲۰ سال تجربه کسب کرده ام. حالا زمان پس دادن این تجربه و سرمایه گذاری است. زمان برداشت است.

اراده ای برای این برداشت اما در همه این سال ها نبود؟

یادم است مقطعی که من با تیم امید کار کردم، به محض اینکه ما به زاین باختیم، آقای کاشیان مصاحبه کردند و گفتند بروند خاکپور رسته شد. من گفتم الان موقع این است که فدراسیون یقه من را بگیرد و از من پرسد که تو چکار کردی که این طور شد؟ اصلاً با من کاری نداشتند. از من چیزی نخواستند. من ۲۵۰ صفحه اطلاعات داشتم و می توانستم در اختیار شان قرار بدهم و بگویم این کاری است که من در این زمان انجام دادم و نفر بعدی که بپاید می تواند این را مطالعه کند و ببیند من کجا اشتباه کردم، او همان اشتباه را تکرار نکند. هیچکس سراغ من را ننگرفت. حتی ما به هتل نرسیده بودیم. گفتند بروند! هاش بسته شد. تازه برنده یاز شده بود. چون من از دل میدان جنگ بیرون آمده بودم و می دانستم آنجا چه اتفاقی افتاده است. شما باید از من با خواست می کردید. از من می پرسیدید چه اتفاقی افتاده است. باید اطلاعات من را تخلیه می کردید و بعد می گفتید که خب، حالا برو دنبال زندگی ات. تازه اگر نباشت من را مؤاخذه هم بکنید، بکنید.

حالا اگر کسی بخواهد همین سؤال ها را از شما پرسد. به عنوان کسی که فرمانده تیم امید بودید، دلیل ناکامی تیم را چه می بینید؟

دلیل اولش خودم بودم. نمی خواستم وارد این موضوع شوم اما دلایل عده ای داشت. من با اطلاعات و آگاهی می دانستم که اگر برای بازاین به ۱۲۰ دقیقه هم برسد، ما می بازیم، من عدد و رقم داشتم که چند ماه قبل از آن خواهم می کردم از فدراسیون فوتبال و سازمان که زمان می خواهم. من فوتبال کشور ما، حتی جدا از سطح امید و پایه، در سطح بزرگسال هم توان حضور در مسابقات بین المللی به صورت یک روز در میان و بازی ۹۰ دقیقه ای مداوم را ندارد. البته کاری ندارم به بازیکنانی که در حال حاضر در اروپا بازی می کنند. چون اطلاعاتی اما بازیکنان داخلی ما توان اینکه یک روز در میان بازی کنند را ندارند و من این را می دانستم. چون در چند ماهی که با تیم کار کرده بودم، به طور مرتب در تمام تمرینات و مسابقات از این اطلاعات استفاده می کردم و توان بازیکنان را می سنجیدم. می دیدم وقتی ما به ۹۰ دقیقه می رسیدم، چقدر تیم افت پیدا می کند و قطعاً ما نمی توانستیم در ۱۲۰ دقیقه به کارمان ادامه بدهیم. به همین دلیل من از چند ماه قبل با فدراسیون و سازمان لیگ صحبت کردم و با توجه به اینکه هنوز لیگ کشور شروع نشده بود، دورا هکار به آقای تاج داد تا بتوانیم بازیکنان را رد اختیار بگیریم.

راهکارهای تان چه بود؟

گفتم اجازه بدهید تیم هایی که بازیکن تیم امید دارند بازیکنان زیر ۲۳ سال بیشتر نداشته باشند. مثلاً اگر سهمیه مجاز بازیکنان زیر ۲۳ سال ۵ بازیکن بود، شما اجازه بدهید آن تیم ها ۸ بازیکن داشته باشند. که اگر بازیکن ملی شان رفت، خلایی ایجاد نشود. تا ما بتوانیم بازیکنان را برای ۳۰ روز در اختیار داشته و با گذشت زمان حجم شش این بازیکنان و توان فیزیکی شان را بالا ببریم. روزی که داشتیم به قطر می رفتیم اما بازیکنان ساعت و ویا را بازی لیگ به فرودگاه آمد که ما رفتیم دبی و بعد از آنجا به قطر رفتیم. پس یکی از دلایل ناکامی امید کار بخوام سرسته بگویم، عدم همکاری بود. عدم وحدت. چون همه آدم هایی که در آن مقطع برای تیم امید کار می کردند، از بالای فدراسیون و کمیته ملی المپیک بگیرد تا داخل هر کدام هدف خودشان را داشتند. وفاق وجود نداشت که بگویند هدف این است که تیم به المپیک برود که می توانست هم برود. بازیکنانی که به هر دلیلی به ما اضافه نشدن اگر می آمدند، می توانستیم به المپیک برویم. یک بار به من گفتند شما در بازی با از این شانس نیاوردید. من اصلاً اعتقادی به شانس در فوتبال ندارم. شانس وجود ندارد. این تجربه و مهارت است که وجود دارد.

آن تویی که میلاد محمدی با سرزده به تیر، سردار می زد داخل گل، چون سردار مهارت داشت. مهارتش را هم با بازی کردن بیشتر در بیرون از ایران به دست آورده بود. میلاد محمدی آن مهارت را نداشت، در حالی که امروز می تواند همان توپ را گل کند. در کل اما دیرباره خود می گویم که من معتقدم در سطح پایه نتیجه به هیچ عنوان نباید برای یک مربی مهم باشد. چون کار مربی در آن رده، پرورش و شکوفا کردن استعداد هاست. بحث دیگری در کلاس های مربیگری است که می گویند پیدا کردن استعداد آسان است اما شکوفا کردنش سخت. یعنی استعداد را بیاوریم و ارتقایش بدهی تا بشود علی کریمی. در تمام یک سالی که تیم امید را داشتم، ما فقط ۵۳ جلسه در کنار هم بودیم.

با تمام مسابقات. در این ۵۳ جلسه، ما توانستیم سعی کنیم تیمی را تشکیل دهیم که خوب فوتبال بازی می کرد و شخصیت داشت. فارغ از نتیجه اگر امروز فوتبال ما را نگاه کنید، همه آن نفرات برای تیم های شان بازیکنان مؤثرتر هستند و هیچ کدام پرت نشدن. در تیم ملی بزرگسالان اما داستان فرق می کند و اولویت نتیجه است. چون آنجا دیگر جای پرورش نیست.

این موارد را به فدراسیون فوتبال هم انتقال دادید؟

من همین صحبت را با آقای عزیزی خادم داشتم. همان زمان که رئیس فدراسیون شد چند روز بعد با من جلسه گذاشت. ایشان در آن جلسه صحبت های زیادی داشتند اما من گفتم به نظرم شما دارید اشتباه می کنید. گفت چرا؟ گفتم چون شما دارید فقط به خودتان فکری می کنید. می گفت همه هدف من تیم ملی بزرگسالان است و می خواهم به جام جهانی برود و خودم بالای سر تیم باشم. من به ایشان گفتم رئیس فدراسیون باید آینده فوتبال را ببیند. باید زیر ساخت ها را درست کند تا ۱۰ سال دیگر فوتبال ما مثل بازیکنان بود و هیچ دغدغه ای به جام جهانی برود و آنجا تازه بخواید برای صعود و یقه تیم های بزرگ را گرفتن، برنامه ریزی کند. در غیر این صورت شاید مقطعی نتیجه بگیریم. فدراسیون فوتبال را درست نکنید که بتواند بازیکن پرورش بدهد، نمی شود کاری کرد. گفتم اگر آمدید به فوتبال کمک کنید، نباید به تیم ملی بزرگسالان فکر کنید. باید همه قدرت و پول و ارتباطات را روی تیم های نونهالان و نوجوانان بگذارید اما متأسفانه همه مدیران این زمین را به چشم یک فرصت می بینند. این مشکل ما است. اگر این طور نباشد، می توانند کار درست انجام بدهند.

یکی از معضلات اساسی فوتبال ما این است که حتی در میان برخی مسئولان رده بالای باشگاه ها هم تمایل به کسب در آمد از راه های ناسالم دیده می شود. اما نمونه هایی داریم که مالک باشگاه به دنبال دلای بازیکن بوده است.

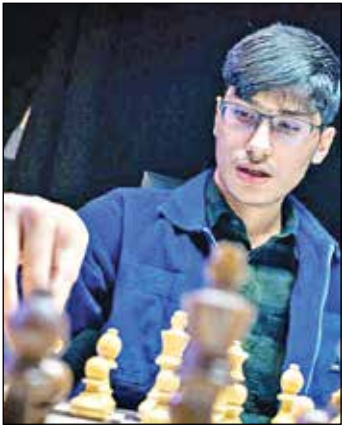
به نظر من فوتبال یک صنعت است و اگر بشود در این صنعت از راه صحیح درآمدزایی کرد و پول ساخت، خیلی هم عالی است. چون بخشی از فوتبال لذت تماشای مسابقه است. بخشی هم باید آموزش و پرورش و رشد باشد. بخشی دیگر اما درآمدزایی است. به شرط اینکه از طریق درست انجام شود. اما متأسفانه در چنین مواقعی وقتی صحبت از درآمدزایی می شود، فکرمان به سراغ روش های بد می رود. اینکه از کوتاهترین مسیر بتوانیم درآمدی داشته باشیم، در حالی که شاید اگر زمان بیشتری بگذاریم، هم به درآمد بیشتری می رسیم و هم مسیر سلامت تری را رفته ایم. در مسیر کوتاه تر اینکه ممکن است درآمدی حاصل شود اما به ورزش صدمه می زند. به این مسائل اما فکر نمی کنیم.

به نظر می رسد تا زمانی که باشگاه ها به معنای واقعی خصوصی نشوند و مالک مجبور نباشد از جیب خودش هزینه کند، این داستان ها پابرجا باشد. قطعاً همین طور است اما با توجه به شرایط کشور ما خصوصی سازی خیلی راحت امکان پذیر نیست. شما سال هاست که می بینید درباره خصوصی سازی استقلال و پرسپولیس صحبت می شود اما این غیر ممکن است. پشتوانه ای که این دو تیم و تیم هایی مثل تراکتور و سپاهان دارند، مردم هستند و نمی توانند این باشگاه ها را به طور کامل به بخش خصوصی بدهند. چون باید این باشگاه ها را کنترل کنند. ضمن اینکه من تا زمانی که از جیب خودم هزینه نکنم، قاعدتاً اشتک را جوابی هم نمی کنم که این پول چطور و کجا دارد هزینه می شود؟



منهای فوتبال

رتکنگ جدید فدراسیون جهانی شطرنج فیروز جادر یک قدمی کارلسن



علیرضا فیروزجا و ایرهام مقصودلور آخرین رده بندی فدراسیون جهانی شطرنج در رده های دوم و سی و ششم جهان ایستادند.

در جدیدترین رده بندی بازیکنان شطرنج که توسط فدراسیون جهانی در ماه مارس اعلام شد، مگنوس کارلسن همچنان با ریتینگ ۲۸۶۴ و ۲۶۲۱ و ۲۶۲۱ در رده دوم و سوم ایران قرار دارند.

ملی پوشان تنیس روی میز مشخص شدن درخشش نوروزی در ۳۶ سالگی

شده بود و نوשא عالمیان هم از سوی فدراسیون منصوب شد. نکته جالب توجه اینکه نوروزی در حال حاضر ۳۶ سال سن می گذارد و تنیس بازی آسانی بسته شد. محسوب می شود و همچنان درخشش دارد. در بخش بانوان نیز شیمیا صفایی، پریانا نوروزی با شکست حریفان خود به عضویت تیم ملی درآمدند. پیش از این امیرحسین هدایی در مرحله اول انتخاب

برونده رقابت انتخابی تیم ملی تنیس روی میز با درخشش افشین نوروزی ۳۶ ساله و معرفی نفرات راه یافته به اردوی مسابقات بازی های آسیایی بسته شد. رقابت های انتخابی تیم ملی تنیس روی میز دیروز ادامه پیدا کرد و نیما عالمیان و افشین نوروزی با شکست حریفان خود به عضویت تیم ملی درآمدند. پیش از این امیرحسین هدایی در مرحله اول انتخاب

مرحله دوم انتخابی کاراته در فروردین ماه تلاش جامانده ها

طبق اعلام قبلی کاردفنی تیم ملی کاراته کشورمان و با تأیید سازمان تیم های ملی، مرحله دوم انتخابی کاراته آقایان بین نفرات سوم مشترک و دوم مسابقات قهرمانی کشور برگزار می شود. قرار است در این انتخابی که بین نفرات سوم مشترک و دوم قهرمانی کشور برگزار می شود، یک نفر از هر وزن به مرحله بعدی اردوی تیم ملی راه پیدا کنند و نفر اول منتخب کشور و نفر منتخب مرحله دوم انتخابی تیم ملی در هر وزن برگزار شود. همچنین مرحله دوم اردوی تیم ملی کاراته مردان بعد از مشخص شدن شرایط کاراته گاهای منتخب، از ۱۵ فروردین آغاز می شود. اردوهای تیم ملی کاراته ایران جهت حضور در مسابقات قهرمانی آسیا ازبکستان ۲۰۲۲، بازی های کشورهای اسلامی و بازی های آسیایی ۲۰۲۲ چین ۲۰۲۲ تشکیل می شود.

جمعه، شروع جام باشگاه های توکانودو آسیا

برگزار می شود. مسابقات بخش زنان با شرکت ۷۰ توکانودوکار در کلیه اوزان در روز جمعه (۱۳ اسفند) تدارک دیده شده و در بخش مردان هم ۱۳۳ توکانودوکار از روز شنبه (۱۴ اسفند) به میدان می روند. از ایران تیم های شهرداری ورامین، لوازم خانگی کن و فرمانیه در بخش مردان، فتح صدر البرز، لوازم خانگی کن و بیمه قزاقستان، ازبکستان، هند، پاکستان، عراق، اردن، عمان، افغانستان و امارات

رقابت های توکانودو جام باشگاه های آسیا به میزبانی ایران و در خانه توکانودو برگزار می شود. یازدهمین دوره رقابت های توکانودو جام باشگاه های آسیا طی روزهای ۱۳ و ۱۴ اسفند ماه با حضور ۲۰۷ توکانودوکار از ایران، قزاقستان، ازبکستان، هند، پاکستان، عراق، اردن، عمان، افغانستان و امارات

حضور ملی پوشان هاکی روی یخ در بیشکک

امیر حیدری، عرشیا غفوروی، عباس دهقانی، امیرمهدیون، دانیال ساروقی، مهید عبدللهی، رضا پورهاشمی، اویسن حسن زاده و علیرضا مهدوی ۲۰ بازیکن اعزامی به مسابقات جهانی هستند.

کاوه صدقی به عنوان سرمربی و برادران یوری و ولاد لومایک از روسیه به عنوان مربیان تیم در این رویداد هدایت ملی پوشان را برعهده دارند. برنامه دیدارهای تیم ملی هاکی روی یخ در مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۲۲ قزاقستان به شرح زیر است: ایران قزاقستان، ۱۲ اسفند ایران سنگاپور، ۱۳ اسفند ایران کویت، ۱۵ اسفند ایران مالزی، ۱۶ اسفند

احضار اسکی بازان معترض به کمیته انضباطی

فدراسیون اسکی دو اسکی باز منتقد را به کمیته انضباطی این فدراسیون احضار کرد. پس از اتفاقات رخ داده پیش از اعزام کاروان اسکی ایران به المپیک زمستانی و انتقادات برخی اسکی بازان به نحوه چینش نفرات اعزامی، فدراسیون اسکی ایران اقدامی تقابلی ۱۰ اسکی بازی را به مصاحبه های تند ی با رسانه ها انجام داده بودند به کمیته انضباطی فراخواند. سید ستار صید، اسکی باز

تنها نماینده ایران در مسابقات گرند پریکس نتیجه نخستین دیدار خود در این رقابت ها را واگذار کرد. این رقابت ها از روز سه شنبه در بلگراد و با حضور ۱۶ بازیکن آغاز شد. محمدامین طباطبایی تنها نماینده ایران در این رقابت هاست که در گروه دوم این مسابقات قرار دارد. وی نخستین دیدار خود را برابر «آنیس گیری»، برگزار کرد و مقابل وی متحمل

تنها نماینده ایران در مسابقات گرند پریکس نتیجه نخستین دیدار خود در این رقابت ها را واگذار کرد. این رقابت ها از روز سه شنبه در بلگراد و با حضور ۱۶ بازیکن آغاز شد. محمدامین طباطبایی تنها نماینده ایران در این رقابت هاست که در گروه دوم این مسابقات قرار دارد. وی نخستین دیدار خود را برابر «آنیس گیری»، برگزار کرد و مقابل وی متحمل

شکست شطرنج باز ایران در گرند پریکس

شکست شد. طباطبایی ریتینگ ۲۶۲۳ را در اختیار دارد در حالی که حریف هندی اش صاحب ریتینگ ۲۷۷۱ است. طباطبایی به واسطه صعود به مرحله یک هشتم مسابقات سوئیس سهمیه حضور در مسابقات ایران در این رقابت هاست که در گروه دوم این مسابقات قرار دارد. وی نخستین دیدار خود را برابر «آنیس گیری»، برگزار کرد و مقابل وی متحمل